

در محض نواله

www.ketab.ir



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : در محضر نورالله / مؤلف: سید مصطفی مسعودی، اشعار: سید محسن مسعودی.
مشخصات نشر : تهران: لوح محفوظ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۳۴۶ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک : 978 - 622 - 6330 - 52 - 7
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا.
پادداشت : کتابنامه: ص. [۳۳۳] - [۳۴۵] همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : ائمه اثناعشر -- آرامگاهها -- زیارت.
موضوع : Imams (Shītes) -- Pilgrimage : زیارت و زائران در قرآن.
موضوع : Pilgrims and pilgrimages in the Qur'an : زیارت و زائران در قرآن.
موضوع : شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴.
موضوع : Religious poetry, Persina -- 20th century : شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴.
شناخته افزوده : مسعودی، سید محسن، ۱۳۶۵.
رده‌بندی کنگره : BP۲۶۲:
رده‌بندی دی‌ژن : ۲۹۷/۷۶:
شماره ثبت‌نسخی ملی : ۸۷۲۶۷۱۰:
اطلاعات رده‌یود کتابخانه ملی : فیا

● در محضر نور الله

مؤلف: سید مصطفی مسعودی

اشعار: سید محسن مسعودی

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ تومان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۴۰۰

صفحه و قطع: ۳۴۶ صفحه، رقعی

لیتوگرافی: اطلس نوین

ناشر: لوح محفوظ



تهران: خیابان پامنار، کوچه بنی‌هاشمی، پلاک ۱۲. تلفن: ۳۳۹۰۳۳۷۲ - ۹۱۲۱۱۹۶۲۸۰

قم: خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، پلاک ۶۷. تلفن: ۳۳۴۰۶۴۸

📍 https://t.me/lawh_mahfouz

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف می‌باشد

شابک: 978 - 622 - 6330 - 52 - 7 ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۳۳۰ - ۵۲ - ۷



مقدمه ۱۱

فصل اول: در محضر خورشید

- ۱- رعایت حریم و محضر پادشاه ۱۸
- ۱-۱ بهترین قلق برای رشد ۱۸
- ۲-۱ زیارت از منظر ارتفاعات ۲۱
- ۳-۱ نظام سه‌بعدی عالم ۲۷
- ۴-۱ رعایت ساختارهای الهی ۲۸
- ۵-۱ از منظر پادشاه آسمان‌ها و زمین ۳۰
- ۶-۱ معرفت نورانی ۳۱
- ۷-۱ جمع‌بندی کلام ۳۳
- ۲- اهمیت تشرف به پیشگاه اهل بیت علیهم‌السلام ۳۷
- ۳- شعر دُغِبِل و پادشاه طوس علیه‌السلام ۳۸
- ۴- اهمیت توجه قلبی در زیارت اهل بیت علیهم‌السلام ۴۸
- ۴-۱ محبوب چه می‌خواهد؟ ۴۹
- ۴-۲ آن‌ها ما را می‌بینند ۵۰
- ۴-۳ استقبال اهل بیت علیهم‌السلام از میهمان ۵۳
- ۵- آداب بهره‌مندی از سفره زیارت ۵۹
- ۵-۱ رفع حجاب‌ها برای حس محضرت بیشتر ۵۹
- ۵-۲ داشتن اخلاق دل‌نشین در حریم خانواده ۶۱
- ۵-۳ رفتار «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در میان دوستان ۶۳
- ۵-۴ امام را برای خودمان نخواهیم ۶۶
- ۵-۵ توجه کامل قلب به محضر امام علیه‌السلام ۶۷
- ۵-۶ اهل بیت علیهم‌السلام مجرای تمام فضائل الهی ۷۰
- ۵-۷ منظر توحیدی به شجره خلافت ۷۳
- ۵-۸ نگاه ابعادی به حریم اهل بیت علیهم‌السلام ۷۸

فصل دوم: دیدگاه های معرفتی به حرم اهل بیت علیهم السلام

- ۹۰ ۱- بیوت الهی
- ۹۱ ۱-۱ نگاه اجمالی به آیات سوره نور
- ۹۳ ۲-۱ بررسی تفصیلی آیات نور
- ۹۹ ۳-۱ آیات نور در احادیث عزت علیهم السلام
- ۱۰۵ ۴-۱ همراهی روحانی با ابعاد نورانی
- ۱۰۸ ۵-۱ حرم ها مصداقی از بیوت الهی
- ۱۱۹ ۶-۱ جمع بندی کلام
- ۱۲۲ ۲- بهشت آسمانی
- ۱۲۲ ۱-۲ ابعاد بهشتی حرم های اهل بیت علیهم السلام
- ۱۲۶ ۲-۲ چرا این بهشت ها دیده نمی شود؟
- ۱۲۹ ۳-۲ جمع بندی کلام
- ۱۳۱ ۳- عرش اعلی
- ۱۳۴ ۱-۲ تجسم اعمال در قیامت
- ۱۴۳ ۲-۲ تجسم اعمال در آیات قرآن
- ۱۵۳ ۳-۳ جمع بندی کلام

فصل سوم: دیدگاه های معرفتی به اهل بیت علیهم السلام

- ۱۶۷ ۱- سائل کوی یار
- ۱۶۸ ۱-۱ عطای بدون استحقاق
- ۱۷۱ ۲-۱ گدا و پادشاه
- ۱۷۳ ۳-۱ دستان مبسوط برای عطا
- ۱۷۸ ۲- مسافر آسمان
- ۱۷۹ ۱-۲ آمادگی برای سفر آخرت
- ۱۷۹ ۲-۲ آمادگی برای سفر زیارت

- ۳- میهمان خوان کرم ۱۸۱
- ۱-۳ هم خادم، هم میهمان ۱۸۲
- ۲-۳ تجربه میهمانی کریبانه ۱۸۳
- ۴- بهترین رفیق ۱۸۴
- ۵- مهربان‌تر از پدران و مادران ۱۹۴
- ۱-۵ اهل بیت علیهم‌السلام، پدر و مادر مهربان ۱۹۵
- ۲-۵ رابطه پدر یا فرزند ۱۹۷
- ۳-۵ رابطه مادر یا فرزند ۱۹۷
- ۴-۵ وظیفه فرزندان نسبت به پدر و مادر ۱۹۸
- ۵-۵ سلسله جبال مهر و محبت ۲۰۵
- ۶- مثالی از کتب ۲۱۳
- ۱-۶ حج، تمرین رفتار در قبال ولی زمانه ۲۱۴
- ۲-۶ حج، تجدید بیان با امام هر زمان ۲۱۶
- ۷- امام شب قدر ۲۱۹
- ۱-۷ موقعیت آسمانی شب قدر ۲۲۱
- ۲-۷ واسطه ارزاق خلایق در شب قدر ۲۲۴
- ۳-۷ امام عالم علیه‌السلام، قلب جامعه شیعه ۲۲۷
- ۸- همیشه سرباز ۲۳۳
- ۱-۸ دغدغه حریم داشتن ۲۳۳
- ۲-۸ استحکام و استواری قلب ۲۳۴
- ۳-۸ اقتدار و همراهی با فرمانده ۲۳۸
- ۴-۸ تجدید عهد و میثاق ۲۴۰
- ۵-۸ مقرر عملیات و سربازی ۲۴۰
- ۹- مقام تشیع و اتباع از امام علیه‌السلام ۲۴۴
- ۱-۹ بررسی مفهوم تشیع ۲۴۸

۲۵۰	۲-۹ نیاز انسان به تغذیه و رشد	
۲۵۷	۳-۹ تبعیت، رفتاری در قبال اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	
۲۷۲	۱- ساکنان عرش اعلیٰ	
۲۷۳	۱-۱۰ عرش، نوری از انوار رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> و امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	
۲۸۰	۲-۱۰ ارتفاع عرش حرم اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	
۲۸۲	۱۱- در محضر نور الله	سه
۲۸۵	۱-۱۱ اهل بیت <small>علیهم السلام</small> مصداق تام و تمام نور الله	
۲۹۸	۲-۱۱ اراده الهی در تام کردن نور الله	
۳۰۱	۳-۱۱ معرفت به نورانیت و برنامه اتمام نور	
۳۰۸	۴-۱۱ منظر قرآنی نور و ظلمت	
۳۱۱	۵-۱۱ نرد نور و ظلمت	
۳۱۹	۶-۱۱ آیات نور الله	
۳۲۵	۱۲- مناجات با مادر مهربان <small>علیها السلام</small>	
۳۳۳	فهرست منابع	

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ» سلام بر تو ای نور خدا در ظلمت‌های زمین، این سلام با چنین ساختاری که در ترکیب کلماتش دارد؛ اگر از غیر معصوم صادر می‌شد؛ جایی برای اعتنا در دل خود نداشت؛ لکن وقتی در می‌یابیم که مصدر نورانی این کلام منور، امام معصوم علیه السلام بوده است؛ دیگر باید به آن اعتنا کنیم و در جستجوی آن باشیم که چرا مولا، این گونه سلام دادن به اهل بیت علیهم السلام را به ما می‌آموزد. اگر بخواهیم ناظر به منطوق توالی کلمات، این جمله را بررسی کنیم تا غرض گوینده را بیابیم؛ باید بدانیم که اولاً چرا «نُورُ اللَّهِ»؟ دوماً چرا «ظُلُمَاتِ»؟ سوماً چرا «فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ»؟ و در آخر اینکه اصلاً چرا باید امام علیه السلام را نور خدای متعال در ظلمت‌های زمین دانست و به او با این نام، سلام فرستاد؟ فهم مراحل این سلام، نیاز به مقدمات بسیاری دارد که از جمله آن، احساس محضر، ادب محضر و آداب محضر در قبال ابعاد غیرمادی اهل بیت علیهم السلام است. این سه مجهول در درجات معرفتی ما نسبت به خاندان عترت علیهم السلام، سه دلیل اصلی سلسله مباحث موجود در کتاب حاضر است که در عناوین متعدد، مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. ما برای اینکه جنبه نورالله بودن اهل بیت علیهم السلام و سپس درون ظلمت‌های زمین آمدن این انوار را فهم کنیم؛ ابتدا باید معلومات صحیح کسب نماییم تا به واسطه آن، یک وسعت دید عظیم و ذو ابعاد به مقامات مختلف اهل بیت علیهم السلام داشته باشیم تا موقعیت‌های عوالمی و نورانی ایشان را در مراتب عالی تا اعلای معارفی، استدراکه نماییم. ایمان به مراتب بالاتر فضائل و مقامات اهل بیت علیهم السلام از اولین گام‌های سلوک شیعی محسوب می‌شود؛ ایمانی که به دردیخور باشد و تبعات آن در افعال و مجموعه رفتارهای انسان بروز و ظهور یابد. ایمان یعنی معلومات معارفی صحیح که وارد قلب انسان می‌شود. وقتی این

معلوماتِ معارفی صحیح، تبدیل به ایمان شد؛ ابتدا برای فردِ مؤمن، ایجاد امنیت می‌کند. لکن تا وقتی که برای او صرفاً یک دانسته باشد؛ فرد چیزهایی را می‌داند؛ حتی به دیگران توضیح می‌دهد؛ مقاله می‌نویسد؛ کتاب می‌نویسد؛ تدریس می‌کند؛ اما همین که سرش را بگذارد و از دنیا برود؛ تازه می‌فهمد که صرف این‌ها، هیچ دردی از او دوا نمی‌کند. حال آنکه وقتی همین معلوماتِ معارفی صحیح، وارد قلب انسان شد و در اعماق وجودش نشست؛ در نتیجه باعث عکس‌العمل‌ها و رفتارهای منطبق با نظام الهی در انسان گردید؛ آن موقع می‌شود به آن گفت «ایمان»، یعنی همان چیزی که ثمره‌اش، اعمال صالح خواهد بود. ما باید به تک‌تک اهل بیت علیهم‌السلام و ابعاد نوری ایشان، معرفت پیدا کنیم و ایشان را این گونه بشناسیم. به تبع این دانش، باید ایمان بیاوریم؛ یعنی زندگی‌مان را در این راستا قرار دهیم؛ نوع نشست و برخاستمان، نوع حرکات و سکناتمان، نوع منظرها، تفکرات و حتی کلامان باید با این اعتقادات، همخوانی داشته باشد؛ صد در صد هم باید همخوانی داشته باشد تا بتوان به آن گفت ایمان. لذا این نوشته بنا بر بیان معارف عملی و کاربردی، نسبت به ابعاد گوناگونی از فضائل اهل بیت علیهم‌السلام دارد؛ به این امید که در وجودمان اثرگذار افتد و زندگی‌مان را به سوی ایشان، متحول نماید.

از طرفی تبیین مسیر حرکت، بیان شگردها و نیز نکات مبهم در مورد مبحث یک دست‌نوشته که حاصل تفکر و یافته‌های علمی یک پژوهش‌گر است؛ می‌تواند مدخل خوبی برای مخاطب عام، در برخورد ابتدایی با نوشته‌ها و نظرات او باشد. اگر مخاطب در بدو ورود به دنیای یک کتاب، شناختی کلی از مسیر حرکت نگارنده، از نقطه «آ» به نقطه «ب» داشته باشد و از برخی شگردهای لفظی و معنوی و روش‌های تربیتی او در بیان مباحث موجود در سیر کتاب، آگاهی پیدا

کند؛ خیلی ساده‌تر وارد فضای کلی بحث می‌شود؛ تا اینکه با روش و منش نوشتار، غریبه و ناآشنا باشد. البته این آشنایی کلی با یک اثر که یک نوع معماری ذهن نام دارد و غالباً توسط نویسندۀ به مخاطبانش القا می‌شود؛ در فهرست موضوعی کتاب‌ها نیز یافت می‌شود؛ به گونه‌ای که مخاطب، با نظر انداختن در شجره‌عناوین یا همان فهرست عناوین که در ابتدا یا انتهای کتاب آمده؛ نقشه کلی حرکت را به دست می‌آورد. حال اگر با روش حرکت و شگردهای آن و نیز موضع ورود و خروج به هر موضوع نیز آشنا باشد؛ بی‌شک بهره‌برداری بهتر و کامل‌تری از محتوای اثر خواهد داشت. با توجه به همین مطلب، لازم است برخی از شگردها و روش‌های طبع و نگارش کتاب «در محضر نورالله» برای مخاطب بیان شده تا او نیز ضمن دریافت مطالب علمی کتاب، بسیار سیر و آسان، با سیر تربیتی مباحث همراه گردد.

کتاب «در محضر نورالله» با شگردهای «تکرار، توضیح و تبیین» درجات معرفتی نسبت به برخی از مقامات اهل بیت علیهم‌السلام و منظرهای زیبایی که درباره ایشان وجود دارد را بررسی می‌نماید؛ لکن برای اینکه مخاطب، یک ارتباط روحی با مطالب مطروحه برقرار کند و با تصاویری که از قبل در ذهنش نقش بسته، به سرزمین داستان‌ها و معارف موجود در دنیای کتاب، سفر نماید؛ مبنای بحث‌ها و منظرها را زیارت اهل بیت علیهم‌السلام در حرم‌های مطهر ایشان، قرار داده است؛ چیزی که بسیاری از شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام، حداقل یک تجربه میدانی و یا یک تصویر ذهنی از آن را دارا هستند؛ از این رو مخاطبان، هنگام مطالعه و مذاقۀ در بخش‌های مختلف کتاب، با حس و حال زیارت حرم‌ها و زیارت اهل بیت علیهم‌السلام، سیر مطلب را بهتر همراهی می‌کنند و با قرار گرفتن در شرایط حسّی مناسب، تأثیر مطلوبی از فضای تربیتی مباحث را خواهند پذیرفت. این روش، یکی از اسباب درک بهتر برخی از مفاهیم دشوار موجود در منظرها و

معارف عالی موجود در کتاب، خواهد بود. همچنین ساختار متون، در کتاب «در محضر نور الله»، بر این مبنا چیده شده است که معارف مطرح در آیات و روایات نسبت به حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام و نیز منظرهای متعدد به خود ایشان، در ضمن داستان‌های وزین و اشعار دل‌نشین، به صورتی نظام‌مند بیان شده تا با نکات و قلق‌های بسیار کاربردی، برای تعامل سودمند شیعیان و محبان اهل بیت علیهم‌السلام با ایشان، مسیر حرکت را برای آن‌ها هموار کرده تا راه بر ایشان، استوار نماند. وجه اهمیت مطالب موجود در کتاب حاضر نیز دعوت مکرر اهل بیت علیهم‌السلام به کسب معرفت امام علیه‌السلام است. معرفتی که در ابتدا نیاز به معلوماتی صحیح به‌عنوان معارف دارد؛ و سپس با جریان این معلومات صحیح به قلب و جوارح آدمی، بدل به معرفت می‌گردد.

اگر انسان به مبدأ، مقصد، مسیر حرکت، ابزار لازم و افراد حاکم در سلوک الی الله، معرفت کافی داشته باشد؛ علاوه بر آرامشی که در طی طریق دارد؛ امیدوار و خستگی‌ناپذیر به راهش ادامه خواهد داد؛ به گونه‌ای که هیچ گرفتاری و یا هیچ مصیبتی، مانع از حرکتش نمی‌شود تا در نهایت، به سر منزل امن الهی نائل آید. از همین رو، ما بسیار زیاد به کسب معرفت اهل بیت علیهم‌السلام دعوت شده‌ایم؛ همان توشه‌ای که اگر به اندازه لازم نداشته باشیم؛ سپس از دنیا برویم؛ به مرگ جاهلی مرده‌ایم.^۱ لذا بر همین اساس، مطالب مربوطه را آغاز کرده و با اهداء

۱. اَحْمَدُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْقُضَيْلِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُبَرِّزِ قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً، قَالَ: عليه السلام، «وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟ قَالَ: عليه السلام، «جَاهِلِيَّةً كَفْرًا وَنِفَاقًا وَ ضَلَالًا» / الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۷۷. حارث بن مغیره می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم که آیا این جمله از رسول الله صلى الله عليه وآله هست که فرمود: «هر کس بمیرد در حالی که به امامش معرفت نداشته باشد به مرگ جاهلی مرده؟» امام صادق علیه‌السلام فرمود: «آری!» گفتیم آیا منظور از این جاهلیت صرفاً جهل است یا عدم معرفت به امامش؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مقصود از این جاهلیت، کفر و نفاق و ضلالت است.»

شعری زیبا و دل‌نشین به پیشگاه مادر مهربان، حضرت فاطمه زهرا
علیها السلام، گام در میدان مسابقه محضرت نور الله می‌گذاریم.^۱

تمام دغدغهی شیعه پرکشیدن بود
زبان حال محبت چشیده‌ها می‌گفت
شروع تغذیه از نور، دل سپردن بود
برای شیعه در آداب محضرت نور
شبانه‌روز به دنبال وصل او بودند
که این وصال، به پرواز تا رسیدن بود
به سوی او همه از خود عبور می‌کردند
که رمز حرکت با او، ز خود گذاشتن بود
حیات برتر یاران در این شکفتن بود
به حکم جاری مولا در عالم کرسی
سفر به پهنای خورشید در نبودن بود
اگرچه شهر پر از پرتوهای خورشید است
تلاوت جریانی برای دیدن بود
که مقصد سفر ناظهور، رفتن بود
بدون وقفه به سوی ظهور می‌رفتند
چو یک ستاره‌ی دنباله‌دار روشن بود
سلوک نوری شیعه درون نور الله
به سوی فاطمه در حال بازگشتن بود
که به دنبال او به عمق آمد
در این مسابقه خوبان، به تاخت می‌رفتند

پایا در محضر مادر، چو مادر بی‌نشان باشیم

۱. شاعر: سید محسن مسعودی [زمان رفتن].